

## تئوری نمایندگی در پرتو فلسفه سیاسی و حقوق عمومی

حسن خسروی\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۹

### چکیده

نمایندگی در پی تحولات فکری عصر مدرنیته و گسترش نظریه حاکمیت ملی به عنوان تأسیسی سیاسی و حقوقی در نظام سیاسی پا به عرصه وجود نهاده است و نهادی بنیادین در تحقق دموکراسی نمایندگی محسوب می‌گردد. مبنای اساسی نظریه نمایندگی به کرامت انسانی، برابری ارزشی و اراده آزاد و مستقل افراد در تعیین سرنوشت فردی و اجتماعی خویش بازمی‌گردد. چنین رویکردی به نمایندگی، محصول تلاش‌های فکری اندیشمندان فلسفی، سیاسی و حقوقی کلاسیک و مدرن می‌باشد که امروزه در قالب دموکراسی‌های نوین با کارکردهای دولت‌های رفاه و تضمین بخش حقوق بنیادین بشر واقعیت بیرونی یافته است. آنچه در این مقاله بررسی می‌گردد، چگونگی برقراری تعامل نظریه نمایندگی و اعمال نمایندگی اراده عمومی است و با رویکردی توصیفی-تحلیلی در مقام پاسخ‌دهی به این پرسش بنیادین است: در نظریه نمایندگی چه چیزی و چه کسی نمایندگی می‌گردد و چگونه تصمیم و عملکرد فردی برای دیگری موجه‌سازی می‌شود؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: در نظریه نمایندگی، حاکمیت واحد ملت، اراده جمعی عموم، منفعت عمومی را نمایندگی می‌شود و نماینده در برابر مطالبات مردم و اراده عمومی تفویض شده مسئول و پاسخگو است.

### کلیدواژه‌گان:

اراده عمومی، حاکمیت مردم، دموکراسی، نظریه نمایندگی، نماینده.

\* دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران-ایران.

## مقدمه

نمایندگی نهادی سیاسی و حقوقی است که در پرتو تحولات فکری و فلسفی غرب و دوران مدرنیته تأسیس شده و به نوعی در نظام‌های مردم سالار معنا و مفهوم یافته است و در حکومت‌های دمکراتیک در برابر دموکراسی مستقیم به کار می‌رود و در پرتو افکار طرفداران دموکراسی نمایندگی اسقرار یافته است.<sup>۱</sup>

در زبان محاوره، represent به معنای تصویر یا ترسیم یک فرد یا صحنه است. نمایندگی به عنوان یک اصل سیاسی، ارتباطی است که از طریق آن فرد یا گروهی از طرف یک جمعیت یا هیئت بزرگ‌تری از مردم عمل می‌کند.<sup>۲</sup> نمایندگی مبنای مشارکت غیرمستقیم مردم در حکومت از طریق نمایندگان خویش است.<sup>۳</sup> در یک نگاه ساده و کلی به نمایندگی، در دولت واجد دموکراسی غیرمستقیم، مردم به شکل غیرمستقیم و از طریق نمایندگان منتخب خویش حکومت می‌کنند. در واقع، اعمال اراده مردم در دولت و تنظیم سیاست‌های کشور نه مابشرتاً که به واسطه انجام می‌پذیرد<sup>۴</sup> و به نوعی در نظام نمایندگی مردم نمایندگانی را برمی‌گزینند و پس از آن با یاری آنها قوانینی تدوین می‌کنند و به مرحله عمل درمی‌آورند.<sup>۵</sup> در تعریفی نسبتاً معقول می‌توان عنوان نمود: فرد هنگامی نماینده فرد دیگر است که اولی از سوی دومی اقدام کند و عبارت «از سومی دومی اقدام نماید»، به معنای «در جهت منافع دومی» باشد. حکومت مبتنی بر نمایندگی حکومتی است که در آن نمایندگان شهروندان تصمیم‌های سیاسی اتخاذ می‌کنند.<sup>۶</sup>

۱. ر.ک. انصاری، منصور، *دموکراسی گفتگویی*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۴.

Held, David, *Models of Democracy*, Cambridge: Polity Press, 1996.

Schumpeter, Joseph, *Capitalism, Socialism and Democracy*, Ed. Allen and Unwin Publication, 1950.

۲. هیود، اندره، *مفاهیم کلیدی در علم سیاست*، ترجمه حسن سعید کلاهی و عباس کاردان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳.

۳. بشیریه، حسین، *درس‌های دموکراسی برای همه*، تهران: نگاه معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸.

۴. تقوی، سید محمد ناصر، *دین و بنیادهای دمکراتیک*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۳۳.

۵. ولف، جان‌تان، *درآمدی بر فلسفه سیاسی*، ترجمه حمید پژوهش، تهران: نشر کتاب آمه، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱.

۶. نلسون، ویلیام، *در توجیه دموکراسی*، ترجمه علیرضا پارسا، تهران: نشر دیگر، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۹۹.

مفهوم نمایندگی جزئی چنان بنیادین از حقوق عمومی است که امکان دارد معنای حقیقی آن مورد غفلت واقع شود. تمامی دموکراسی‌های ادعایی مدرن، نظام حکومتی خود را بر پایه نمایندگی بنا می‌کنند. اما دقیقاً به دلیل اقتباس تقریباً جهان‌شمول شکل نمایندگی دموکراسی گاه از طرح برخی پرسش‌های اساسی غفلت می‌شود. اساسی‌ترین پرسش این است: چه چیزی نمایندگی می‌شود؟ پاسخ بدیهی به نظر می‌رسد: مردم.<sup>۱</sup>

اقدام از طرف یا برای دیگری در نگرش فلسفه سیاسی و حقوق عمومی منشأ پرسش‌های متعدد دیگری خواهد شد: آیا اراده قابل واگذاری و انتقال به غیر می‌باشد؟ چگونه تصمیم و عملکرد فردی برای دیگری موجه‌سازی می‌شود؟ چه کسی شایسته اتخاذ تصمیم از طرف جمع خواهد بود؟ نمایندگی مؤید اراده واقعی عموم است یا صرفاً اعطاکنندگان؟ مقام یا نهاد واسطه (نماینده) جایگزین اراده واگذارکنندگان می‌گردد یا بیان‌کننده اراده و مطالبات آنها؟ نماینده پس از اخذ نمایندگی، در اعمال نمایندگی دارای صلاحیت تشخیصی مستقل از عموم خواهد بود یا مکلف است به تأمین اراده آنها؟ نماینده چه چیزی را نمایندگی می‌نماید؟ با چه شیوه و مکانیزمی می‌توان از جانب دیگران اقدام نمود؟ آیا نمایندگی پاسخگویی را به همراه دارد؟

از پرسش‌های فوق می‌توان به این امر اشاره نمود که نمایندگی گفتمان مشترک حقوق عمومی و فلسفه سیاسی است. چراکه در فلسفه سیاسی بر توجیه دولت مشروع، اخلاقی و کارآمد و زمامداری مطلوب تأکید می‌شود و چنین دولتی در حقوق عمومی برای تأمین نظم و امنیت عمومی، منفعت عمومی و تضمین حقوق شهروندان به شیوه قانونی مورد بحث قرار می‌گیرد. اساساً در فلسفه سیاسی بر دو امر عمده توجه می‌شود: ۱- وضعیت کلی جامعه سیاسی را به شیوه هست‌انگار مورد توصیف قرار می‌دهد؛ ۲- سپس با رویکرد تحلیلی به سمت «باید» حرکت می‌نماید. فلسفه سیاسی با محوریت منشأ و ماهیت حاکمیت و دولت، عدالت، برابری، آزادی و انسان‌شناسی، پایه‌گذار ماهیت و نوع ساختار سیاسی و حقوقی جامعه می‌شود. فیلسوف سیاسی با پرداختن به امور عمومی در تلاش است تا با توجیهات فلسفی، جامعه را به سمت نظام سیاسی

۱. لاگلین، مارتین، *مبانی حقوق عمومی*، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷.

۲. اشتراس، ۱۳۹۱، صص ۲-۱۵.

مطلوب هدایت نماید که در این راستا نظام حقوقی و قواعد حقوق عمومی ساختارها، ابزارها، سازوکارها و تضمینات لازم را فراهم می‌نماید.

در این مقاله تلاش شده است با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با فرض اینکه در نظریه نمایندگی، نماینده حاکمیت واحد ملت، اراده جمعی عموم، منفعت و مصلحت عمومی را نمایندگی نموده و در برابر مطالبات مردم و اراده عمومی تفویض شده مسئول و پاسخگو است، ضمن بررسی اندیشه‌های فلسفی، سیاسی و حقوقی در بستر نظام سیاسی مردم‌سالار به پرسش‌های فوق پاسخ داده شود. هر چند این فرض را می‌توان در ماهیت نمایندگی تصور نمود که با ثبیت نظریه حاکمیت ملی، شهروندان در اعمال حاکمیت خود دست به تأسیس نهاد نمایندگی می‌زنند و اختیار قانون‌گذاری و حاکمیت خود را به مجموعه نمایندگی انتقال می‌دهند تا به صلاحیت تشخیصی خود به وظایف نمایندگی بپردازند.

هدف اساسی پژوهش، تبیین ماهیت نظریه نمایندگی در بستر فلسفه سیاسی و گفتمان حقوق عمومی است، تا نظام مردم‌سالار کارآمدتر و در راستای مبادی فکری و غایات اندیشه حاکمیت مردم قرار گیرد. پژوهش از این منظر جنبه نوآوری دارد که متأثر از اندیشه مردم‌سالاری و نهاد نمایندگی، تحقیقات گسترده‌ای پیرامون نمایندگی انجام شده است، اما در خصوص اینکه نماینده با اخذ سمت نمایندگی از جانب مردم آیا بر اساس صلاحیت تشخیصی خود اقدام کند یا اینکه اراده عمومی مردم را نمایندگی نماید و به تعبیری هر آنچه را که مردم بدان تمایل داشتند، تبدیل به قانون نماید؟ پژوهش جامعی انجام نشده است که مقاله در پی پاسخ به این ابهام می‌باشد.

## ۱. توجیه نمایندگی

نمایندگی یا اقدام از طرف یا برای دیگری، نهادی اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که در فرایند مدرنیته و توأم با تحولات فکری از قرن شانزدهم میلادی به بعد جایگاه ویژه‌ای در نظام مردم‌سالار، دولت‌های دموکراتیک و حقوقی مدرن یافته است؛<sup>۱</sup> لذا بر اساس ارزش‌های فکری این دوره نیز قابل توجیه می‌باشد.

۱. ر.ک. ویژه، محمدرضا، *مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰؛ وینسنت، اندرو، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۹۲.

### ۱.۱. اصل عدم ولایت

اقدام و عمل نمودن به نمایندگی از دیگری بدون اذن و رضایت، به نوعی تداعی بخش دوران برده‌داری، استثمار، ستمگری فرمانروایان بوده و مؤید این است که مردم ابزار و رعیت حاکمان می‌باشند. اما با گسترش ایده دموکراتیک و زمینی شدن حاکمیت متأثر از تحولات فکری و فلسفی مدرنیته، انسان نقش محوری در تحلیل و تفسیر زندگی و سرنوشت خود یافت و جایگزین همه نیروهای ماورایی قدرت گردید و مفاهیم انسان خودبنیاد، خودحاکم و خودتنظیم پدیدار شد. «مبنای این اصل به کرامت انسانی و تساوی و برابری انسان در خلقت و تسلط آنها بر نفس، مال و امور مربوط به خود می‌باشد و این برابری اقتضا می‌کند که هیچ‌کس بر دیگری برتری نداشته و اختیار و اراده فردی او محفوظ بماند».<sup>۱</sup> در پی چنین نگرشی به انسان، ایده کسی جز انسان بر او حکومت نمی‌کند و تحت عنوان اصل عدم ولایت، در نظام سیاسی و حقوقی پا به عرصه وجود نهاد و مبنایی جدی برای توجیه زمامداری و نمایندگی تأسیس گردید.

### ۱.۲. کرامت انسانی

انسان به ماهو انسان دارای ارزش و غایت است. بنابراین، انسان موجودی شریف و مقدس پنداشته می‌شود که با سایر موجودات متمایز و حتی برتر گردیده است. غایت بودن انسان و عدم برخورد ابزاری با وی مؤید این امر است که نمی‌توان وی را به بند و استثمار کشاند و یا اراده او را در تنظیم و تعیین سرنوشت فردی و اجتماعی خویش نادیده گرفت. بر این اساس، نگرش ارزش‌والای انسانی می‌تواند توجیهی برای تأسیس مفهوم نمایندگی باشد و حتی می‌تواند «توجیهی برای حقوق بشری باشد؛ یعنی اینکه انسان صاحب حق است، از آن جهت دارای حرمت و کرامت است».<sup>۲</sup>

کرامت انسانی دلالت دارد بر نوعی ارزش ذاتی که به‌طور برابر متعلق به همه انسان‌ها می‌باشد و این ارزش لازمه وجودی ماهیت انسانی است و در حقیقت در ذات بشر وجود دارد و

۱. صفایی سهیلا، محقق داماد، سید مصطفی، عباسی، محمود، بررسی احترام به خود مختاری در فقه و حقوق اسلامی، فصلنامه اخلاق زیستی، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۸۱، ص ۷۹؛ ر.ک. محلاتی، محمد سروش، اصل عدم ولایت، نشریه علوم سیاسی، دوره هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۸۳.

2. Orend, Brian, *Human Rights: Concept and Context*, Toronto: Broadview Press, 2002, p 87.

دائمی و غیرقابل تغییر می‌باشد. براساس این مفهوم، کرامت انسانی مفهومی است که شروط اخلاقی دقیق و سختی را بیان می‌دارد. لذا در نظر کانت، به عنوان «ارزش» تفسیر می‌شود.<sup>۱</sup> «اگر یک چیزی ارزش دارد، پس آن می‌تواند به وسیله چیز دیگری از ارزش معادل و هم‌ارز تعویض یا جایگزین شود، جایی که ارزش، همان‌طور که هابز عنوان داشته است، دلالت بر ارزشی دارد که مرتبط با عقاید و تمایلات یک شخص است. بنابراین، هابز تنها نوعی از مفهوم تجربی کرامت را مورد شناسایی قرار می‌دهد که او آن را به عنوان «ارزش عمومی انسان» تعریف می‌نماید. برعکس، مفهوم ذاتی به وسیله ارزش‌های دیگر جایگزین نمی‌شود و با عقاید و ایده‌های یک شخص مرتبط نیست و چنان ارزش ذاتی دارد که پایه‌ای برای حقوق بشری است.»<sup>۲</sup> در حقیقت، مفهوم کرامت انسانی اشاره به چه چیزی خارج از خود انسان ندارد و وصفی است که در پیوند با ماهیت وجودی انسان دارد.

### ۱.۳. برابری ارزشی

انسان بنا بر ارزش و کرامت والای انسانی، از حیث ارزشی با سایر افراد برابر انگاشته می‌شود و هیچ توجیهی برای عدم برابری قابل پذیرش نخواهد بود و هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد. از این‌رو، برابری مفهوم بنیادینی است که در ابعاد مختلفی نظیر «برابری اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی، جنسی و نژادی»<sup>۳</sup> قابل بررسی است.

نگرش برابری ارزشی و ناموجه بودن برتری شخص بر سایرین، توجیه معقولی برای نمایندگی و اقدام از طرف دیگری در گفتمان فلسفه سیاسی و حقوق عمومی خواهد بود. اما در خصوص اینکه چگونه به برابری ارزشی رسید، این‌گونه می‌توان استدلال نمود که انسان موجودی مختار و دارای استقلال اراده است. بر این اساس، «هیچ شخصی به صورت ذاتی برتر از

۱. کانت، ایمانوئل، *فلسفه فضیلت*، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: نقش و نگار، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰.

2. Meyer, Michael J. and Parent W.A, *The Constitution Rights: Human Dignity and American Values*, New York: Cornell University Press, 1992, p 13.

3. Nagel, Thomas, *Equality; Readings in Social and political Philosophy*, Edited by Robert M. Stewart, (Oxford: Oxford University Press, 1996, p 272.

دیگری نیست و همچنین در اتخاذ تصمیمات جمعی باید خیر عمومی با منافع هر شخص به طور برابر مورد توجه قرار گیرد»<sup>۱</sup>.

## ۲. مفهوم نمایندگی

زمینی شدن حاکمیت متأثر از دستاوردهای مدرنیته، پایه‌گذار نظام مردم‌سالار، حاکمیت مردمی - ملی، عقلانیت زمامداری با رضایت و اراده عمومی گردید. نظریه نمایندگی رهروان بزرگی، همچون هابز، لاک، بنتام، روسو و کانت و بسیاری دیگر را شاهد بوده است. در واقع، محور ایده بیشتر اندیشمندان فلسفه سیاسی و حقوقی دوران مدرنیته، توجیه دولت و اینکه چه کسی و چگونه باید حکومت کند، می‌باشد و در راستای آن به اندیشه انسان‌محوری، قرارداد اجتماعی، وابستگی مشروعیت قدرت به اراده و رضایت عموم، تحکیم حاکمیت مردم، تثبیت نظام مردم‌سالار و تنوری نمایندگی متوسل شده‌اند. لذا به اختصار به برخی از تأثیرگذارترین اندیشمندان فلسفه سیاسی و حقوقی در این ارتباط پرداخته می‌شود.

### ۲.۱. توماس هابز (زندگی: ۱۵۸۸-۱۶۲۹م)

هابز از نخستین فیلسوفان بزرگ جدید بود که به نظریه سیاسی رهیافتی عملی نشان داد.<sup>۲</sup> نخستین بار توماس هابز، فیلسوف انگلیسی، مفهوم نمایندگی را مطرح کرد. به نظر او حکومت مبتنی بر نمایندگی، حکومتی است که به خواست مردم تشکیل شده باشد، قطع نظر از اینکه سلطنتی و موروثی یا دارای مجلس حاکم باشد.<sup>۳</sup> وی چنین رهیافت و نگرش را در کتاب معروف خود به نام، لویاتان<sup>۴</sup> تشریح می‌نماید. هابز این نام را از تورات اقتباس کرده است. لویاتان در تورات یک غول افسانه‌ای است که هیچ موجودی به بزرگی و قدرت او وجود ندارد و کسی را توان برابری و مقاومت در مقابل او نیست. هابز دولت را نظیر این غول می‌داند و آن را انسان مصنوعی می‌خواند.

۱. دال، رابرت، *دریاره دموکراسی*، فیروز سالاریان، تهران: نشر چشمه، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۸۹.

۲. عالم، عبدالرحمن، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۲۳۴.

۳. بشیریه، حسین، پیشین، ص ۱۰۹.

4. Leviathan.

از نظر هابز، انسان در وضع طبیعی در امنیت به سر نمی‌برد و دائماً بر سر منافع در جنگ و جدال به سر می‌برد و به نوعی: انسان گرگ انسان است،<sup>۱</sup> لذا نیازمند به یک نیروی برتر که همان هیولای بزرگ به نام لویاتان یا دولت شر ضروری است و این دولت طی یک قرارداد اجتماعی بین عموم مردم با یکدیگر مبنی بر انتخاب حاکم ایجاد می‌شود و بر اساس آن مردم اراده عمومی خود را به حاکم واگذار نموده است و دیگر حق و باز پس‌گیری آن را ندارد و نمی‌توانند علیه حاکم شورش کنند، چراکه حاکم حاصل قرارداد مردم با یکدیگر است و با حاکم توافق نموده‌اند و اینکه حاکم خارج از قرارداد است تا بتوانند او را برکنار کنند، در عوض حاکم امنیت و صلح را با اقتدار و قوانینی که وضع می‌نماید، برقرار می‌کند. در عمل، هابز طرفدار قدرت مطلقه و موناشرشی بوده که بعد از قرارداد اجتماعی هر قانون یا تصمیمی که مایل بود می‌تواند وضع و اتخاذ کند. در نظر وی، قوانین جامعه حاصل قرارداد اجتماعی است<sup>۲</sup> و قوانین اجتماعی تنها در صورتی مطلوب هستند که به طور کامل اجرا شوند و بدین منظور باید اجراکننده قوانین از قدرت مطلق برخوردار باشد.

از نظر هابز، مردم مجبورند برای رهای از زندگی اولیه که توأم با خشونت، ناامنی و جنگ و جدال است به موجب قرارداد غیرقابل نقضی، سرنوشت خود را به حاکم مقتدری دهند که بنا به تشخیص خود امنیت را برای مردم با وضع قوانین تأمین کند. چنین نگرش هابز به شیوه تشکیل دولت، مؤید این امر است که حاکم نماینده تام‌الاختیاری است که عموم مردم (اکثریت و اقلیت) از وی تبعیت نموده و بعد از تصدی قدرت به موجب قرارداد اجتماعی در مقابل مردم پاسخگو نبوده است و بنا به صلاحیت تشخیصی خود جامعه را مدیریت می‌نماید و دیگر بیان‌کننده خواسته‌های عمومی نخواهد بود. در نهایت اینکه، هابز مخالف حاکمیت عامه است. او می‌خواهد بگوید «نه این نظر سوء تفاهمی در مورد نمایندگی بیش نیست»، چراکه اقتدار حاکم حاصل توافق مردم با یکدیگر است نه توافق مردم با حاکم.

۱. هابز، توماس، *لویاتان*، ویرایش و مقدمه از سی.بی. مکفرسون؛ ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ هشتم، ۱۳۹۲، ص ۳۲.

۲. همان، صص ۳۸-۴۱.

## ۲.۲. جان لاک: (زندگی: ۱۶۳۲-۱۷۰۴م)

جان لاک به عنوان تأثیرگذارترین فیلسوف سیاسی قرن هفدهم و پدر لیبرالیسم کلاسیک شناخته می‌شود. در سراسر قرن هیجدهم به‌ویژه فرانسوی‌ها در انقلاب کبیر و آمریکایی‌ها در تدوین قانون اساسی از او بسیار الهام گرفتند.<sup>۱</sup> از نظر لاک، هم افراد بشر طبیعتاً در وضعی برابر هستند و از قدرت و اقتدار حقوقی یکسانی برخوردارند، هیچ‌کس بر فرد دیگری ممتاز نیست و حقیقتی مسلم‌تر از این نیست که آدمیزادگان از یک گوهرند، همه به‌طور یکسان در برابر مواهب طبیعت زاده می‌شوند و از استعدادهای یکسانی برخوردارند، بنابراین باید نسبت به هم در وضعی برابر باشند و هیچ‌گونه فرمانروایی و فرمان‌برداری میان آنان وجود نداشته باشد.<sup>۲</sup>

نظریه سیاسی لاک درباره منشأ تشکیل حکومت قرارداد اجتماعی است.<sup>۳</sup> لاک تشکیل جامعه سیاسی-مدنی را براساس رضایت می‌داند<sup>۴</sup> و هیچ‌کس حق ندارد فردی را به زور وادار به پذیرش قرارداد اجتماعی کند. بدین‌سان طرحی که لاک ارائه می‌کند، جلوه‌ای از نظریه رضایت است که مردم را یگانه قدرت مؤسس و منشأ اصلی قانون‌های اجتماع سیاسی می‌گرداند.<sup>۵</sup> بدین ترتیب، لاک با نظریه قرارداد اجتماعی خود، هم نظریه حق الهی و موروثی بودن پادشاهی را رد می‌کند، هم از انقلاب مردمی سال ۱۶۸۸ انگلیس دفاع می‌کند و هم حوزه اختیارات حکومت را محدود می‌کند؛ زیرا پایه‌های آن را از توافق مردمی می‌داند که هر وقت مردم بخواهند می‌توانند رضایت و توافق خود را از آن بردارند و منجر به ملغای شدن حکومت می‌شود.<sup>۶</sup>

هدف از تشکیل دولت و حکومت بر مبنای قرارداد اجتماعی، حفظ حقوق طبیعی فرد یعنی مالکیت جان و آزادی اوست و حکومت فقط نهادی است برای برقراری صلح و امنیت. بنابراین

۱. لوید توماس، دیوید، *در باب حکومت لاک*، ترجمه عباس اسکوییان، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۸۷، صص ۵۱-۹۳.

۲. طاهری، ابوالقاسم، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب*، تهران: قومس، چاپ دهم، ۱۳۸۹، ص ۷۹.

۳. لاک، جان، *رساله دوم درباره دولت*، ترجمه شهرام ارشدنژاد، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۴۶.

4. Brooks, Thom, *Locke and Law*, England: Ashgate Publishing Company, 2007, pp 15-59.

۵. واینر، فیلیپ پی، *فرهنگ اندیشه‌های سیاسی؛ برگرفته از فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها*، ترجمه خشایار دیهیمی تهران: نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۹۲، ص ۱۵۱.

۶. عالم، عبدالرحمن، پیشین، ص ۱۹۴.

حکومت باید در خدمت خیر و صلاح مردم باشد، مبتنی بر رضایت آنها باشد و از قدرت و وظیفه خود تخطی نکند.<sup>۱</sup> لاک حاکمیت نهایی را از آن اجتماع و اراده مردم می‌داندست و اقتدار دولت صرفاً از این توافق آنها نشئت می‌گیرد تا زمانی که بخواهند. اقتدار حکمران محدود به مقصودی است که برای او در نظر گرفته شده است و از این رو لاک شکل حکومت مناسب را محدود و مشروط می‌داندست.<sup>۲</sup> حاکمیت نهایی از آن اجتماع است و اگر حکومت شرایط قیومیتی را که بر عهده دارد نقض کند، مردم حقی جدایی‌ناپذیر در تغییر آنها دارند. این افراد به هنگام ورود به جامعه مدنی همه حقوق طبیعی خود را به حکومت واگذار کرده‌اند، بلکه صرفاً بخشی از آن حقوق طبیعی را واگذار کرده‌اند.<sup>۳</sup>

جان لاک برعکس هابز، رابطه بین حاکم را به اصل نمایندگی طرفینی و قابل نقض اصلاح می‌نماید و بیان می‌دارد: چرا باید به افرادی تن دهند که همیشگی و برگشت‌ناپذیر است و مسئولیت را به شخص یا هیئتی می‌سپارد که در قبال آنها مسئولیتی ندارد؟ به این ترتیب بود که لاک به استنتاجی متفاوت دست زد و چنین نظر داد که میل صیانت نفس نه فقط به حکومت اقتدارگر ختم نمی‌شود، بلکه درست برعکس به حکومت محدود ختم می‌شود. رها بودن از قدرت مطلقه و اقتدارگرا بهترین حافظ حق صیانت نفس است. لذا حکومت محدود و متکی به قانون غایت قرارداد اجتماعی است.<sup>۴</sup>

نتیجه بررسی نظریه سیاسی لاک آن خواهد بود که وی حکومت را نماینده عموم می‌داند که در برابر آنها مسئول و پاسخگو و در خدمت نیازهای اساسی مردم به موجب قرارداد اجتماعی است و در نهایت اینکه از نظریه وی می‌توان مفهوم پاسخگویی نماینده در برابر عموم را استنباط نمود.

### ۲.۳. استوارت میل (زندگی: ۱۸۰۶-۱۸۷۳م)

استوارت میل اهل انگلستان و پدرش جیمز میل معروف بود. وی فلیسوف سیاسی مکتب اصالت فایده و در عرصه اخلاق، اقتصاد، منطق و حقوق صاحب نظر بود. مهم‌ترین اثر وی در باب

۱. اشتراوس، لئو، *حقوق طبیعی و تاریخ*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۹۳، ص ۲۵۷.

۲. عالم، عبدالرحمن، پیشین، ص ۱۹۴.

۳. پاپکین، ریچارد و استرول، اوروم، *کلیات فلسفه*، ترجمه جلال‌الدین مجتبی، تهران: حکمت، چاپ سی‌ام، ۱۳۹۳، ص ۱۹۶.

۴. پولادی، کمال، *تاریخ اندیشه سیاسی: از سقراط تا ماکیاولی*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۵۶.

سیاست و حکومت، کتاب *تأملاتی در حکومت انتخابی* است. عمده مطالب کتاب پیرامون برترین ساختار حکومت دموکراتیک، بحث درباره نظریه عمومی حکومت و نهادهای دموکراتیک و بازتابی از مسائل بنیادین سیاست در عصر خویش است. میل در این کتاب گسترش یا محدودیت حق رأی را نیز مورد بررسی قرار داده است و می‌گوید: «مسئله اساسی در دموکراسی انتخابی این است که چگونه اکثریت عددی را از سوءاستفاده از قدرت باز داریم. محدود کردن حق رأی راه حل رضایت‌بخشی برای این معضل نیست؛ زیرا رأی دادن خود یک ارزش تربیتی دارد و اگر کسانی را از این حق محروم کنیم، موجبات ناخرسندی، بی‌علاقگی و بیگانه‌پنداری او را فراهم کرده‌ایم...»<sup>۱</sup>.

استورات میل حکومت مطلوبی را نظام دموکراتیک می‌داند که در آن حاکمیت به کل جامعه واگذار شده باشد. به علاوه نظام دموکراتیک یک روحیه اجتماعی و تعلق خاطر به منافع همگانی در فرد به وجود می‌آورد، درحالی که در رژیم استبدادی (حتی از نوع خیرخواهانه) افراد بیشتر در پی منافع خصوصی خویش‌اند و در حکومتی که خودشان سهم یا رأیی در آن ندارند، چندان غم منافع عام را نمی‌خورند. به عقیده میل، دموکراسی (بیش از هر شکل دیگر حکومت) آزادی شخصی و تعالی معنوی آزادانه افراد را تشویق می‌کند و به معنایی که در آن همه شهروندان به نحوی از انحا بتوانند در حکومت سهیم باشند، بهترین شکل حکومت است، اما از آنجا که در جامعه‌ای بزرگ‌تر از یک شهرک، افراد نمی‌توانند جز در بخش‌های کوچکی از امور هماهنگی، شخصاً مشارکت کنند، پس به‌ناگزیر نوع مطلوب حکومت کامل باید مبتنی بر نمایندگی باشد.<sup>۲</sup>

#### ۲.۴. ژان ژاک روسو (زندگی: ۱۷۱۲-۱۷۷۸م)

روسو اندیشمند بزرگ فرانسوی تأثیری شگرف در تحولات سیاسی غرب داشت و افکار وی در وقوع انقلاب فرانسه و اعلامیه‌های حقوق بشر و تثبیت حاکمیت مردم نقش داشت؛ با وجود اینکه زندگی فقیرانه‌ای را گذارند. نگرش اومانیستی وی متأثر از تحولات مدرنیته منجر به دیدگاه

۱. استورات میل، جان، *تأملاتی در حکومت انتخابی*، ترجمه علی رامین، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۷.

۲. مجیدی، فریبرز، *اندیشه‌های جان استورات میل*، *مجله آبان*، شماره ۱۲۵، در پایگاه: دایره المعارف آنلاین طهوری، ۱۳۹۴،

ص ۳؛ اوزر، آتیلا، *دولت در تاریخ اندیشه غرب*، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر فرزاد، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۰۶.

خاصش به جایگاه انسان و نوع حکمرانی شد. از نظر وی، انسان ذاتاً موجودی معقول و دارای استعداد‌های ارزشمند و شگرفی است که سبب تکامل او می‌شود. وی اندیشه خود را با این پرسش آغاز می‌کند: چرا انسان‌ها که آزاد به دنیا می‌آیند، در بند و بردگی به سر می‌برند؟<sup>۱</sup> و علت چنین اسارتی، ناشی از عدم انطباق نظام‌های آنها با نظام طبیعت است. در این راستا، تأسیس نظام طبیعت را در قالب نظام سیاسی مبتنی بر قرارداد اجتماعی به تصویر می‌کشد.

وی قائل به نوعی حاکمیت تقسیم‌شده و دموکراسی مستقیم است. به باور او، مردم مستقیماً باید در سرنوشت سیاسی خود سهیم شوند. دموکراسی غیرمستقیم این است که مردم در سرنوشت سیاسی‌شان به‌طور مستقیم سهم نمی‌گیرند، بلکه از طریق انتخابات، نمایندگان را برمی‌گزینند تا در امور سیاسی مملکت سهم داشته باشند. روسو نقش مهمی برای اراده عمومی قائل است. منظور از اراده عمومی، اراده شهروندان است که منافع خصوصی خود را اراده نمی‌کنند، بلکه منافع و خیر عمومی را اراده می‌کنند؛ یعنی اراده همگان برای خیر عموم. در این صورت یک اراده جمعی پدید می‌آید که خیر و منافع مشترک را اراده می‌کند. وی راهکاری که برای تأسیس نظم سیاسی مطرح می‌نماید، قرارداد اجتماعی، اراده عمومی و جمعی است و نوعی رابطه بین قرارداد اجتماعی و اراده عمومی ایجاد می‌کند و سپس بیان می‌نماید از این طریق است که شهروندان به آزادی فردی و نظم مشارکت‌جویانه می‌رسند.

از نظر وی، حاکمیت متعلق به همه مردم و حق مردم است و در این حق تک‌تک اعضای جامعه سهیم‌اند که این حق نه قابل انتقال و نه قابل سلب است. چون هیچ انسانی حاکمیتی طبیعی بر هم‌نوع خود ندارد و از آنجا که زور ایجاد حق نمی‌کند، پس هرگونه اقتدار مشروعی فقط قراردادهایی می‌تواند باشد که میان انسان‌ها بسته می‌شود.<sup>۲</sup> حق حاکمیت به همان علت که غیرقابل واگذاری است، غیرقابل تقسیم است؛ زیرا اراده یا عمومی است یا نیست. در حالت اول، اراده ابرازشده یک عمل حاکمیت و در حکم قانون است و در حالت دوم یک اراده خصوصی یا یک عمل ارادی و یا حداکثر یک تصویب‌نامه است.<sup>۳</sup>

۱. روسو، ژان ژاک، *قرارداد اجتماعی*، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: انتشارات آگاه، چاپ ششم، ۱۳۹۲، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۷۴.

۳. همان، ص ۱۴۷.

این نکته برخلاف نظریه نمایندگی است که در نظریه لیبرالیسم مطرح می‌باشد؛ چون جان لاک معتقد بود که این حق قابل واگذاری است. اما به گفته روسو، حاکمیت را نمی‌شود انتقال داد، چون مبنای حاکمیت، اراده عمومی است و چون خود اراده عمومی قابل سلب و انتقال نیست، حاکمیت نیز قابل انتقال نمی‌باشد. قرارداد اجتماعی روسو، قرارداد تشکیل اجتماع است نه قرارداد تبعیت. بنابراین کل حاکمیت به مردم منتقل می‌شود و مردم هم حاکم و هم تابع می‌شوند. شیوه اجرای حاکمیت به دلیل عدم انتقال آن در قالب انتخاب یک کمیسیون اجرای تجلی می‌یابد و این کمیسیون صرفاً فرستادگان مردم هستند، نه اینکه از طرف مردم حاکمیت داشته باشند. پس حکومت ابزار حاکمیت است و حاکم صرفاً یک کارگزار می‌باشد، نه اینکه حاکمیت داشته باشد و به وضع قوانین بپردازد. حاکم صرفاً در برابر اراده عمومی مسئولیت دارد.

## ۲.۵. ایمانول کانت (زندگی: ۱۷۲۴-۱۸۰۴م)

کانت برترین فیلسوف آلمانی عقل‌گرای قرن هجدهم و عصر روشنگری است و از جمله اندیشمندانی است که معنا و مفهوم نمایندگی را به‌طور اصولی و عقلی بیان نموده است. «در نظریه کانت نیز مثل روسو «اراده عموم» مرجع قانون‌گذاری سیاسی است. مردم بر پایه «خودآیینی» و حق برابر در آزادی هنجارهای حقوقی را بنا می‌نهند».<sup>۱</sup> حق عام خود قانون‌گذاری (که حق مجرد است) در جامعه سیاسی معین تجسم عینی و بیرونی پیدا می‌کند. اما کانت برخلاف روسو معتقد نیست که اراده را نمی‌توان به نمایندگی برگزار کرد و قانون‌گذاری باید شکل مستقیم داشته باشد. درست برخلاف روسو، او معتقد است که نمی‌توان انتظار داشت قانون‌گذاری به صورت مستقیم توسط خود مردم صورت گیرد. نمایندگی از عموم می‌تواند بر اساس اراده متحد کل مردم، امر قانون‌گذاری را برای جامعه سیاسی انجام دهد. مبنای نظام نمایندگی را حق مسلم افراد و ایجاد یک وضعیت حقانی می‌داند. از نظر وی، «مجموع قوانینی که ایجاد یک وضعیت حقانی توسط آنها مستلزم تصمیم همگانی آنهاست، حق عمومی نامیده می‌شود. پس این حق عبارت است از یک نظام قانونی برای یک ملت، یعنی گروهی از انسان‌ها یا گروهی از مردم که چون در روابط متقابل با یکدیگر قرار دارند، می‌خواهند در یک وضعیت

۱. پولادی، کمال، پیشین، ص ۱۳۶.

حقانی متحد شوند، به قوانینی نیاز دارند تا با استفاده از آن حقوق خود بهره‌مند شوند.<sup>۱</sup> کانت تلاش دارد تا حکومت را از اتحاد گروهی از مردم تحت قوانین حقانی، بیرون بکشد و حکومت را دارای سه قوه می‌داند؛ یعنی اراده متحد عمومی متشکل از سه قوه مشخص است. «قدرت قانون‌گذاری فقط می‌تواند متعلق به اراده متحد باشد. چون اراده منشأ تمام حقوق است، قطعاً نمی‌تواند به کسی زیان برساند. پس فقط اراده متحد و هماهنگ همگانی تا آنجا که امر واحدی را همگان برای هر یک و هر یک برای همگان بخواهند و بنابراین فقط اراده متحد همگانی مردم، می‌تواند قانون‌گذار باشد».<sup>۲</sup>

کانت با طرح دموکراسی نمایندگی، مرزهای واقعی دموکراسی را از استبداد تفکیک می‌کند. در حکومت دموکراسی نمایندگی، مردم در مقام شهروند از طریق انتخاب نمایندگان خویش، در کار قانون‌گذاری مشارکت می‌کنند. پس از نظر وی انتخابات و نمایندگی دارای این رابطه است که مردم «خودآیین» و قانون‌گذار هستند، اما با انتخاب نمایندگان، امر «خودآیینی» و قانون‌گذار عام از طریق پارلمان به عینیت می‌رسد. دموکراسی نمایندگی وی بر پایه تفکیک نیروهای قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی شکل می‌گیرد.

از مجموع دیدگاه‌های، فلسفی، سیاسی و حقوقی بحث‌شده این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که «مفهوم نمایندگی در بن و اساس قدرت عمومی قرار دارد. فقط با نمایندگی است که پاره‌های مسئولیت‌ها بر دوش صاحبان قدرت عمومی گذاشته می‌شود. همچنین، صرفاً از رهگذر نمایندگی است که مردم به شهروند تبدیل می‌شوند. از این دیدگاه، می‌توان گفت که قدرت عمومی هم با نمایندگی ایجاد می‌شود و هم بدان طریق اعمال می‌شود».<sup>۳</sup> در نظریه نمایندگی، مردم به عنوان یک مجموعه واحد و تقسیم‌ناپذیر و با داشتن شخصیت حقوقی مستقل<sup>۴</sup> به جای اینکه خود در جامعه تصمیم‌گیرنده امور عمومی باشند، نمایندگان را از طرف خود با مکانیزم انتخابات برمی‌گزینند و این نمایندگان به نمایندگی از طرف آنها اقدام به وضع تصمیمات می‌نمایند. از این‌رو، در نظام نمایندگی «تصمیمات از طرف هر فردی با زیرمجموعه کل بودن، اتخاذ می‌شود

۱. کانت، ایمانوئل، *فلسفه حقوق*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶.

۲. همان، ص ۶۹.

۳. لاگلین، مارتین، *مبانی حقوق عمومی*، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۱۶۹-۱۷۰.

۴. خسروی، حسن، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶.

و نتایج حاصله از فرایند تصمیم‌گیری، دموکراتیک محسوب می‌شود. چراکه مردم بر آن تصمیمات به دلیل انتخاب نمایندگان نفوذ داشته‌اند.<sup>۱</sup> به عبارتی، نمایندگان، منتخب مردم هستند و طی فرایند مشارکتی مردم، سمت نمایندگی را به دست آورده‌اند و «نماینده کسی است که از طرف مردم انتخاب شده است، لذا ضمن تصمیم‌گیری از طرف آنها، پاسخگوی تصمیمات اتخاذی در برابر مردم نیز می‌باشد».<sup>۲</sup> بر این اساس و به منظور پاسخگویی نمایندگان نظام انتخابات آزاد، منصفانه و دوره‌ای طراحی می‌شود و انتخابات دوره‌ای و منظم و دموکراتیک، تضمینی مناسب برای تحقق انتخابی بودن نمایندگان، اعمال حق رأی و مشارکت مردم، مبتنی بودن نهاد نمایندگی بر اراده مردم و پاسخگویی خودکار نمایندگان در برابر مردم می‌باشد.

### ۳. برداشت‌ها و تفاسیر نمایندگی

نمایندگی یکی از مفاهیم پیچیده ایده دموکراتیک و موضوع بنیادین حقوق عمومی و زمامداری است. از آنجایی که «نظام دموکراتیک، ایده و اندیشه حاکمیت مردم را دربردارد، یعنی مبتنی بر حاکمیت مردم می‌باشد، پس پرسش اینکه چطور مردم می‌توانند بر خود حاکم باشند، بسیار مهم جلوه می‌نماید. همچنین آیا در نظریه نمایندگی حاکمیت مردم منتقل می‌شود یا خیر؟ چه ارتباطی بین نمایندگی و مردم پس از انتخابات وجود دارد؟ نماینده چه چیزی را نمایندگی می‌نماید؟ «عده‌ای معتقد هستند که نمایندگان منتخب باید از خواسته‌ها و دستورالعمل‌های مردم تبعیت کنند و عده‌ای دیگر معتقدند که نمایندگان نه از طرف آنها عمل می‌کنند، بلکه آنها در موقعیت «تصمیم‌گیرندگان» قرار گرفته‌اند».<sup>۳</sup>

متأثر از اندیشه‌های فلسفی سیاسی بحث‌شده و اقتضائات و ماهیت نظام سیاسی دموکراتیک و زمامداری مردم‌محور مدرن در حقوق عمومی نسبت به ماهیت حقوقی نمایندگی و کارویژه سیاسی و حقوقی آن در عرصه زمامداری و تعامل با اراده عموم در بستر ایده دموکراتیک، برداشت‌های متنوعی مطرح شده است که در قالب دسته‌بندی‌های مختلف بررسی می‌شود.

1. Catt, Helena, *Democracy in Practice*, London: Rutledge, Press, 1999, p 77.

2. Ibid.

3. Ibid.

### ۳.۱. نگرش مک کالوم (زندگی: ۱۹۲۵-۱۹۸۷م)

مک کالوم اندیشمند مشهور فلسفه سیاسی و استاد دانشگاه ویس کنسین مدیسون آمریکا بود. وی بیشتر به دلیل انتقادات جدی به نظریه آزادی مثبت و منفی آیزایا برلین شهرت یافت.<sup>۱</sup> مک کالوم در مقاله‌ای مهم تحت عنوان آزادی منفی و مثبت<sup>۲</sup> نظریه متمایز و دوگانه مثبت و منفی آزادی آیزایا برلین را به چالش کشاند و بر مفهومی واحد و سه عنصری آزادی تأکید نمود و در کتاب فلسفه سیاسی به برداشت‌های عمده رایج در خصوص ماهیت نمایندگی اشاره نموده است:<sup>۳</sup>

#### ۳.۱.۱. نمایندگی به عنوان انجام عمل برای<sup>۴</sup>

یک برداشت رایج از نماینده بودن، وضعیتی است که در آن یک نفر اجازه می‌یابد به عنوان عامل قانون از سوی مردم عمل کند و نماینده آنها باشد. این برداشت در فصل کوتاه اما معروف شانزدهم از لویاتان، اثر هابز، تحت عنوان «افراد و مقولاتی که به جای دیگری عمل می‌کنند»، بسط داده شده است. زمانی که فروشنده‌ای به نمایندگی از شرکت، وکیلی به نمایندگی از شرکت، وکیلی به نمایندگی از موکل، یا یک قاضی از افراد تحت حمایت دادگاه عمل می‌کند، این برداشت است که ظاهر می‌شود. اجازه برای آن است که یک نفر برای فرد یا گروهی از افراد دیگر عملی را انجام می‌دهد که این اجازه با مکانیزم انتخابات به نماینده اعطا می‌شود.

#### ۳.۱.۲. نمایندگی به عنوان نشانه<sup>۵</sup>

در زبان اشاره ممکن است فرد بگوید: «این پاکن، نشانه تانک است». گاه این گونه استفاده از نمایندگی با کلمات هم‌خانواده آن در سیاست مشاهده می‌شود. به همین ترتیب، شیر و عقاب در نشان‌های خانوادگی، نشانه شجاعت و شکوه هستند و انتخاب یک نماینده می‌تواند نمایانگر امیدها و آرزوهای افرادی باشند که او را برگزیده‌اند. بدین معنا که مردم بر اساس افکار و

۱. گری، جان، *فلسفه سیاسی استوارت میل*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۲۹.

2. Mac Callum, Gerald, C., "Negative and Positive Freedom, " *The Philosophical Review*, 76 (3), 1967, p 312-334.

۳. مک کالوم، جرال.دی.سی، *فلسفه سیاسی*، ترجمه بهروز جندقی، قم: کتاب طه، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۳۲۸-۳۶۳.

4. Representation as acting for.

5. Representation as standing for.

مطالبات خود دست به گزینش نماینده می‌زنند و ترکیب منتخب نمایندگان انعکاسی از نوع مطالبات و افکار مردم است و نمایندگان به گونه‌ای در انجام وظایف خواسته‌های مردم را دنبال می‌نمایند. از جمله طرفداران این نظریه سوزان ال. فیگین است.

### ۳.۱.۳. نمایندگی به عنوان نمونه خاص<sup>۱</sup>

هنگامی که گفته می‌شود فردی نماینده افراد یا گروهی خاص است که دیدگاهی خاص دارند، این برداشت از نمایندگی حاصل می‌شود. ممکن است در حوزه سیاست، فردی به عنوان نماینده انتخاب شود، به دلیل آنکه تصور می‌شود او نمونه خاص گروهی است که به نمایندگی از آنها عمل می‌کند، نمایانگر مجموعه گزینشگران خاصی محسوب می‌شود. به عنوان نمونه، هنگامی که تصور می‌شود مجلس باید شامل کارگرانی دون پایه، اعضای اقلیت‌های خاص و غیره باشد.

### ۳.۱.۴. نمایندگی مردم به وسیله نمایندگی منافع آنها<sup>۲</sup>

گذر از نمایندگی منافع به نمایندگی افراد خالی از مشکل نخواهد بود؛ مگر اینکه منافعی که نمایندگی از آنها صورت می‌گیرد، خود افراد باشند. مانند بهره‌های بانکی که گاه این گونه‌اند. حال در این برداشت، نماینده منافع بودن چه مفهومی دارد؟ می‌توان به افرادی که نماینده حفظ این منافع هستند، تکیه کرد تا در موقعیت مقتضی از سوی این مردم یا درباره آنچه معتقدند به نفع آنهاست، سخن بگویند. کسانی که این عمل نمایندگی را انجام می‌دهند، لازم نیست که از سوی آنها به عنوان نماینده انتخاب شده باشند؛ به عبارتی، ممکن است خود به خود انتخاب شده باشند. در نتیجه امکان دارد که هیچ گونه جایگاه رسمی نداشته باشند.

### ۳.۱.۵. نمایندگی و محدود کردن خود<sup>۳</sup>

انتخاب شدن به وسیله اکثریتی که فرد نماینده آنها خواهد بود، امکان طرح این مدعا را فراهم می‌کند که هرگونه نتیجه آن نوعی «تحمیل کردن» یا «محدود کردن خود» خواهد بود. این نکته به هنگام توصیف رابطه بین رأی دادن و محدود کردن خود حائز اهمیت می‌گردد. نمونه‌های خاص محدود کردن خود، عهد بستن و انعقاد قرارداد است. شاید رأی دادن به یک

1. Representation as typical of.

2. Representing people by representing their interests.

3. Representation and self-limitation.

نماینده، خود الگوی دیگری از محدود کردن خویشتن باشد که دلایل خاص خود را برای مشروعیت دارد.

### ۳.۱.۶. نمایندگی، رأی دادن و انتخاب کردن<sup>۱</sup>

برخی نمایندگان انتصابی و برخی انتخابی هستند. به این دلیل، برداشت آخر در نظریه دموکراتیک بسیار حائز اهمیت است. در این برداشت، رأی دادن و انتخاب کردن مبنای نمایندگی است و نمایندگی جلوه خارجی ترجیحات، رأی و گزینش افراد در جامعه است. ترجیحات و گزینه‌های مردم در واقع حکایت از رضایت آنها به عمل کردن افرادی تحت عنوان نماینده در جامعه برای اداره اجتماع است.

### ۳.۲. تگرش هلنا کات

وی به دو برداشت عمده در خصوص ماهیت نمایندگی اشاره نموده است:

#### ۳.۲.۱. اعمال نمایندگی از طرف من<sup>۲</sup>

روشن‌ترین شیوه‌ای که در آن نمایندگان از طرف و برای من عمل می‌کنند، هنگامی است که آنها چیزی را انجام می‌دهند که من آن را تقاضا می‌کنم. نمایندگان از دستورالعمل‌های من تبعیت می‌کنند، پس نمایندگان نماینده [خواسته‌های] من هستند. در این برداشت خصیصه‌های شخصی نماینده مهم نیست، به دلیل اینکه آنها چیزی بیش از یک حلقه ارتباطی خواسته‌ها و نیازهای گروه وسیع‌تر [مردم] نیستند.<sup>۳</sup> پیت کین چنین وضعیتی را «نماینده به عنوان فعالیت و عمل» می‌نامد و معتقد است نمایندگی با این برداشت و کالتی، ممکن است که همیشه دستورالعمل را برای پیروی کردن از طرف شهروندان نداشته باشد، بلکه ایده اصلی این طرز تلقی، این است که اگر مردم یا انتخاب‌کنندگان دستورالعمل‌هایی را برای آنان ارسال دارند، آنها

1. Representation, voting and choosing.

2. Representative acts on my behalf.

3. Catt, Helena, Ibid, p 80.

مكلف به تبعیت از آن دستورالعمل‌ها و خواسته‌ها بدون توجه به دیدگاه‌های شخصی خودشان خواهند بود.<sup>۱</sup>

### ۳.۲.۲. نمایندگی، نهاد واضعان تصمیم<sup>۲</sup>

برعکس دیدگاه وکالتی برداشت قبلی، این برداشت نمایندگی را تحت عنوان «امین»<sup>۳</sup> قلمداد می‌کند. بر اساس این برداشت، نمایندگان واضعان تصمیم هستند و تصمیمات را آن‌طور که خود صلاح می‌دانند، وضع می‌کنند و این تصمیمات فرض می‌شود که به سود مردم و ملت به عنوان یک کل می‌باشد و همچنین آنها از طرف مردم انتخاب و با خواست آنها عزل می‌شوند.<sup>۴</sup> از جمله کسانی که معتقد به این نظریه هستند، ایمانوئل بورک و لیولی است. از دیدگاه ایشان، «امین بودن نمایندگان و پارلمان به عنوان نهاد در خدمت منافع ملت»<sup>۵</sup> پایه و اساس نظام نمایندگی است. در این برداشت، مجلس یک نهادی از افراد تصمیم‌گیر است که بر اساس اطلاعات و دانش حرفه‌ای خود و توانای‌های شخصی به نفع ملت اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند.

### ۳.۳. نگرش هانا پیت کین

مفهوم نمایندگی از دیدگاه پیتکین با اندیشه خود حکومتی پیوند خورده است. به عبارتی، نمایندگی یک حق انسانی مرتبط با اظهارنظر کردن و تصمیم‌گیری در خصوص هر آنچه توسط خود اتفاق می‌افتد، می‌باشد.<sup>۶</sup> از نظر وی، مفهوم نمایندگی دارای دو عنصر است: «۱- گزینش نمایندگان توسط مردم؛ ۲- پاسخگویی نمایندگان در مقابل مردم. بر اساس این دو عنصر، نمایندگان باید صلاحیت و اختیارات خود را از اراده مشارکتی مردم دریافت نمایند و تحت نظارت و کنترل آنها نیز می‌باشند».<sup>۷</sup> در نظام نمایندگی «مردم واقعاً از طریق نمایندگان حکومت می‌نمایند و صرفاً یک دریافت‌کننده یا منفعل و محکوم تصمیمات حکومت نیستند و حکومت

1. Pitkin Fenichel, Hanah, *The Concept of Representation*, Berkeley: California University Press, 1967, p 112.

2. A body of decision maker.

3. Trustee.

4. Catt, Ibid, p 88.

5. Lively, A(eds), *Democracy in Britain*, Oxford: Blackwell Press, 1994, p p 93-94.

6. Rush, Marx, *Voting Rights and Redistricting in United States*, Westport: Greenwood Press, 1998, p 2.

7. Pitkin, Fenichel, Hanah, Ibid, p 157.

صرفاً تأمین‌کننده منافع عمومی نیست، بلکه نظام حکومتی باید پاسخگوی مردم در قبال اعمال و تصمیمات اتخاذی خود باشد.<sup>۱</sup> بر این اساس، «از آنجایی که نمایندگان تأمین‌کننده نیازها و خدمات عمومی هستند، باید سازوکارهای مناسب و مقتضی سازمانی و ساختاری برای پاسخگویی به این نیازها را طراحی و ایجاد نمایند. لذا، این‌گونه نظام را درک می‌کنیم که مردم از طریق نمایندگی اقدام به خودحاکمیتی می‌کنند، حتی اگر اغلب اوقات، آنها از اعمالی که نمایندگان انجام می‌دهند، آگاه نباشند؛ مادامی که احساس نمایند هر زمانی که بخواهند می‌توانند ابتکار عمل زمامداری را بدست گیرند».<sup>۲</sup> بر اساس چنین نگرشی به مفهوم نمایندگی، پاسخگویی نماینده در قبال تصمیمات خود به مردم، تضمین حق حاکمیت و نظارت مردم بر نمایندگان به منظور پیگیری خواسته‌های آنها و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت اعطایی است. لذا پاسخگویی نباید اتفاقی باشد، بلکه باید منظم و خودکار باشد.

#### ۳.۴. مونیکا ویرا

مونیکا ویرا به همراه همکارش، دیوید رانسیمن، با نگارش کتابی تحت عنوان «نمایندگی» در مقام تحلیل مفهوم و کارکرد نمایندگی در دموکراسی‌های مدرن برآمده‌اند. در انجام این امر به توصیف و تحلیل نظریات کلاسیک و مدرن پرداخته و تلاش نموده‌اند با استمداد از بنیادهای مدرنیته و اندیشه‌های ناب فلاسفه سیاسی، مفهوم جدید و کاربردی متناسب با نظام‌های سیاسی دموکراتیک واقع‌گرا ارائه نمایند و به نوعی تعاملی حق‌محوری بین نمایندگان و مردم ایجاد شود. ایشان با بررسی و تحلیل مبادی نظریات فلاسفه سیاسی دوران مدرنیته، نظیر هابز، لاک و میل و فلاسفه جدید، نظیر پیتکین، ماهیت سیاسی و حقوقی نمایندگی را در چند برداشت جدید به شرح ذیل خلاصه نموده‌اند:

##### ۳.۴.۱. نمایندگی به مثابه رابطه اصیل\_عامل (وکیل)<sup>۳</sup>

در این برداشت، نماینده به عنوان عامل یا وکیل اصیل محسوب می‌گردد. چنین رویکردی ریشه در قواعد حقوق خصوصی دارد. مهم‌ترین ویژگی این برداشت این است که افراد اشخاص

1. Ibid, p 157.

2. Ibid, p 158.

3. Representation as a principle-agent relation.

دیگری را به خدمت می‌گیرند تا اموری را از طرف آنها انجام دهند که خود قادر به انجامش نیستند. در اینجا یک شخص (اصیل)، فرد دیگری را (عامل) منصوب می‌نماید تا از طرف وی برخی اعمال یا تکالیف را انجام دهد. البته از قبل شروط، قلمرو، نوع و شیوه انجام امور از طرف اصیل برای عامل مشخص می‌شود و عامل صرفاً در چارچوب و محدوده مقرر شده و اراده اصیل اقدام می‌نماید. اما این امکان نیز وجود دارد تا تصور شود رابطه عامل با اصیل تحت شروط منطقی تعریف شود و موجبات اعمال صلاحیت تشخیصی عامل فراهم شود. البته چنین رویکردی منوط به این است که ملاحظات تشخیصی عامل منتج به تأمین اهداف و مصالح و منافع اصیل گردد. در این رویکرد، عامل در قبال کلیه اعمال و امور انجام شده در چارچوب شروط و محدوده‌های مقرر و ملاحظات تشخیصی خود با رعایت مصلحت و منافع اصیل در برابر وی پاسخگو می‌باشد.<sup>۱</sup>

#### ۳.۴.۲. نمایندگی به مثابه امانت<sup>۲</sup>

ایده نمایندگی به مثابه امین، مبین این امر است که امین از طرف افرادی عمل می‌نماید که خود قادر به انجام امور نیستند و اغلب به منظور تکمیل برداشت رابطه اصیل\_عامل طراحی می‌شود. در این برداشت، امین در حکم اصیل محسوب می‌شود و پس از دریافت حکم امانت از طرف اصیل خود دارنده امور و به نوعی مالک مورد امانت فرض می‌شود و همانند اصیل باید در انجام و مراقبت از مورد امانت تمام اقدامات لازم را مبذول دارد. در واقع، در این رویکرد امین از طرف اصیل عمل نمی‌کند و بلکه مالک و دارنده امور اعطایی و تفویضی در مدت انتصاب فرض می‌گردد و مسئولیت اقدامات امین به خود وی باز می‌گردد؛ چراکه امین عامل اصیل نیست، بلکه در انجام امور تفویضی به عنوان فرد خودش محسوب می‌شود.

در واقع، علت چنین تصویری در رابطه امین و اصیل به این امر باز می‌گردد که امین چون امور اعطایی را از آن خود تصور می‌نماید، پس تمام ملاحظات منفعتی و مصلحتی معقول مربوط به تأمین مطلوب امور و اعمال اجرا می‌نماید و فرض بر این می‌شود که در مقام تضمین منافع

1. Vieira, Monica Brito and Runciman, David, *Representation*, Cambridge: Polity Press, 2008, p 66.

2. Mandate vs. trust.

منطبق با کار و خود است که چنین ملاحظات امین در تعامل با اشخاص ثالث در نهایت منتج به تأمین منافع و مطالبات اصیل می‌گردد.<sup>۱</sup>

### ۳.۴.۳. نمایندگی به عنوان شناسایی و پذیرش (همانند سازی)<sup>۲</sup>

برداشت سوم متفاوت از دو برداشت قبلی است. در هر دو برداشت قبلی، مطلوبیت نمایندگی وابسته به تصمیم آگاهانه اصیل در انتخاب و انتصاب عامل و امین است. چنین برداشتهایی به نمایندگی در چارچوب یک رابطه کاملاً حقوقی و طرفینی و در چارچوب شروط توافقی محقق می‌گردد. اما شیوه و روش دیگری وجود دارد که فردی می‌تواند توسط شخص دیگری نمایندگی شود و این امر زمانی رخ می‌دهد که فرد اعمال و اقدامات فرد دیگری را شناسایی و مورد پذیرش قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که آن فرد در اعمال دیگران سهیم می‌گردد، بدون اینکه نقش فعالی در به‌وجود آوردن نماید و اعمال انجام‌شده داشته باشد و صرفاً اقدامات و تصمیمات اتخاذی افراد دیگر را می‌پذیرد. برای مثال، اشخاصی در خیابان ما دست به اعتراض درباره سر و صدای همسایگان می‌زنند که در این خصوص من می‌توانم احساس کنم که معترضین در حقیقت منافع و خواسته من را نیز مطرح و نمایندگی می‌کنند، حتی اگرچه من آنها را منصوب یا سازمان‌دهی نکرده‌ام. دلیل اینکه چرا آنها من را نمایندگی می‌نمایند، این است که من اعتراض آنها را مورد پذیرش قرار می‌دهم، به خاطر اینکه مثل خواسته من می‌باشد. در عمل معترضین در حال صحبت از طرف من هستند؛ چراکه ما منافع مشترکی با هم داریم.

در واقع، مفهوم نمایندگی از خلال وجود منافع مشترک استخراج می‌گردد، بدون اینکه رابطه قراردادی بین عامل و افراد دیگر وجود داشته باشد. پایه و اساس چنین برداشتی این است که شخصی که به جای من عمل می‌نماید، باید امیدوار باشم نماینده طوری اقدام به انجام امور می‌کند که من انجام خواهم داد و بنابراین، منافع من به طور خودکار تأمین می‌گردد.<sup>۳</sup>

1. Vieira, Ibid, p 74..

2. Representation as identification.

<sup>3</sup> Vieira, Ibid, pp 80-81.

## نتیجه گیری

هدف عمده از طرح و بررسی نظریات و برداشت‌های مختلف اندیشمندان فلسفه سیاسی و حقوقی پیرامون نمایندگی، دستیابی به مفهوم و ماهیتی عملی و کاربردی در عرصه زمامداری و حقوق عمومی در بستر نظام مردم‌سالار است که غایت چنین نظامی تأمین و تضمین منافع، مصالح و مطالبات مشترک و بنیادین اشخاص است. اگرچه برداشت‌های مختلف نمایندگی به‌طور مجزا بررسی شد، در واقع رأی‌دهندگان و نمایندگان این اشکال و برداشت‌ها را ترکیب می‌کنند. به عبارتی، مدل‌های مختلف رأی‌گیری هم‌اکنون به ترکیب و ادغام دیدگاه‌های مختلف در یک نهاد سیاسی توجه دارند و نمایندگان نقش‌های مختلفی را در پارلمان به دست می‌گیرند. لذا ارتباط انتخابات و نمایندگی مؤید این است که مردم صاحب قدرت و حق حاکمیت هستند و تعیین سرنوشت متعلق به آنها می‌باشد و نمایندگان بر این اساس، منتخب و پاسخگوی آنها هستند. حال این نمایندگان واضعان تصمیم در جامعه هستند، چه به عنوان وکیل و اجراکننده دستورات مردم، یا به عنوان امین و حافظ منافع مردم. چندان فرقی ندارد، چون در نهایت پاسخگوی مردم خواهند بود.

در رهیافتی کلی و ماحصل بحث نمایندگی، می‌توان مفهوم و ماهیت نمایندگی را در سه بُعد حقوقی ذیل خلاصه نمود:

۱. نماینده منتخب ملت است: نماینده در بستر جامعه سیاسی کل و در پرتو مفهوم ملت سمت نمایندگی را کسب می‌نماید و فرض بر این است که ملت همچون روحی واحد در قالب نماینده تجلی یافته است و دیگر اینکه نماینده عده‌ای یا عقیده خاصی نیست. اگر نظر سی‌س را بپذیریم مبنی بر اینکه «نماینده فقط معرف انتخابگران خود و منتخب حوزه انتخابیه‌اش باشد، در نتیجه هر حوزه با انتخاب نماینده به‌طور جداگانه و بدون مشارکت در انتخاب سایر نمایندگان می‌تواند قانونی را که مصوب سایر نمایندگان غیر از منتخبین خود است، به رسمیت و اعتبار ننهد و هر حوزه باید حق و تو داشته باشد. از نظر سی‌س با چنین فرضی تحقق قوه مقننه و کارکردهای آن غیرممکن می‌شود».<sup>۱</sup> پس ماهیت نمایندگی در حقوق عمومی مؤید نمایندگی اراده عمومی به‌طور یکپارچه و

۱. زولر، الیزابت، *درآمدی بر حقوق عمومی*، ترجمه سید مجتبی واعظی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۱۷.

- واحد است، هرچند مطابق برداشت سوم مبنی بر نماینده به مثابه همانندسازی یا پذیرش، مورد انتخاب و گزینش عده‌ای در فرایند انتخابات قرار نگرفته باشد.
۲. نماینده منفعت عمومی را نمایندگی می‌نماید: در نظر بیشتر نظریه‌پردازان، حکومت دموکراتیک اگرچه بر سر کم و کیف و شیوه اجرایی شدن حاکمیت مردم و اینکه چه چیزی نمایندگی می‌شود، با هم اختلاف نظرهایی دارند، در خصوص اینکه حکومت مردم از طریق نمایندگی اعمال می‌گردد، اتفاق نظر دارند و هدف از این نمایندگی تأمین منفعت عمومی و تضمین حاکمیت اراده عمومی است. در واقع نظریه نمایندگی در مقابل «رژیم‌های غیردموکراتیک» ابداع شده است که در رویه و رفتار آنها تأمین منفعت عمومی در اولویت نبوده است و مردم حق محور تلقی نمی‌شدند و به گونه‌ای خواست‌های حاکمان به صورت یکجانبه بر مردم اعمال می‌گردد که سابقه و تجربه تاریخی حکایت از انقلاب‌های متعدد ناشی از چینی رویه و رفتاری دارد.
- بنابراین، نظریه نمایندگی حاکی از این امر است که هر نماینده معرف ملت است. وی یک نفع ملی را نمایندگی می‌کند؛ یعنی نفعی عام و نه نفع یا منافع خصوصی. لذا خواست وی همواره در راستای نفع ملی یا نفع عمومی رهنمون می‌شود، به نحوی که قانون همواره بیان اراده عام است نه خاص. این نتیجه، دستاورد منطقی و ریاضی حاصل از تئوری نمایندگی ارائه شده توسط سی یس است که تنها نگرانی‌اش تأسیس مجلس ملت بوده است، به نحوی که خواست گرایش‌های متنوع منطبق با خیر عام باشد. سی یس در نقطه مقابل مدیسون است. آنجایی که مدیسون معتقد است مسیر منتهی به نفع عمومی از طریق تعدد منافع خصوصی می‌گذرد. سی یس بر آن است که خیر عمومی فقط به حذف تعدد و از طریق نمایندگی ملی محقق می‌شود. البته این مفهوم بیشتر از آنکه به معنی فراموش کردن منافع خصوصی باشد، به معنای نفی نمایندگی دور از نفع عمومی است.<sup>۱</sup>
۳. نمایندگی مؤید پاسخگویی است: هدف اصلی پاسخگویی در نظام مردم‌سالار، کنترل قدرت سیاسی و افزایش امکان نظارت مردمی (مستقیم و غیرمستقیم) بر اجرای قدرت و صلاحیت‌های اعطایی به نمایندگان مردم است.<sup>۲</sup> چنانچه این پاسخگویی و نظارت نباشد، درک و فهم اینکه نماینده در راستای منافع عمومی حرکت می‌کند یا خیر؟ مشکل

۱. لاگلین، مارتین، پیشین، صص ۱۵۶-۱۵۷؛ زولر، الیزابت، پیشین، صص ۲۱۸؛ مدیسون، جیمز، *فدرالیست* ترجمه محسن محمودی، شماره ۱۰، ۱۳۹۴، در پایگاه: <http://bourgeois.ir>.

2. Rose, Richard (Editor in chief) and Others, *International Encyclopedia of Elections*, Washington, D.C. : CQ Press, 2000, p 3.

و مبهم می‌شود. «لذا، ارتباط منطقی بین دموکراسی و اصل نمایندگی این است که بر اساس ایده نظام دموکراتیک، حکومت‌ها نماینده مردم تلقی می‌شوند؛ چراکه آنها منتخب شهروندان هستند. حال چنانچه انتخابات به‌طور آزاد و منصفانه برگزار شود، به‌طوری‌که با مشارکت همگانی و با بهره‌مندی کامل شهروندان از حقوق سیاسی و انتخاباتی توأم باشد، پس حکومت می‌بایستی به بهترین نحو ممکن در راستای منافع مردم حرکت نماید»<sup>۱</sup>.

در مجموع، «در نظام دموکراتیک، به جهت اینکه نمایندگان منتخب مردم هستند، می‌بایستی پاسخگوی آنها باشند»<sup>۲</sup>. این پاسخگویی تضمینی مؤثر در راستای تحقق غایت حکومت نمایندگی و تأمین مطالبات و منفعت عمومی است و با به‌کارگیری شیوه‌های نظامند و کارآمد مردمی، همواره حاکمان در موقعیت پاسخگویی در قبال صلاحیت‌هایی تفویضی و احراز اینکه در چارچوب منافع عموم حرکت می‌کنند، قرار می‌گیرند و در صورت عدم پاسخگویی و عدم تأمین متعلق اراده عمومی از نمایندگی کنار گذارده می‌شوند یا در دوره‌های بعدی مورد گزینش عموم قرار نمی‌گیرند.

1 Manin, Bernard and Others, *Election and Representation*, Democracy, Accountability and Representation, Edited by: Adam Przeworski and Others, (Cambridge: Cambridge University Press, 1999, p 29.

2 Mainwaring, Scott, *Democratic Accountability in Latin America*, Oxford: Oxford University Press, 2003, p 3.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. استوارت میل، جان، *تأملاتی در حکومت انتخابی*، ترجمه علی رامین، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲. اشتراوس، لئو، *حقوق طبیعی و تاریخ*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۳. اشتراوس، لئو، *فلسفه سیاسی چیست؟*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
۴. انصاری، منصور، *دموکراسی گفتگویی*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۵. اوزر، آتیلا، *دولت در تاریخ اندیشه غرب*، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر فرزانه، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶. برلین، آیزایا، *چهار مقاله درباره آزادی*، ترجمه محمد علی موحد، تهران: خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۷. بشیریه، حسین، *درسهای دموکراسی برای همه*، تهران: نگاه معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۸. پاپکین، ریچارد و استرول، اوروم، *کلیات فلسفه*، ترجمه جلال‌الدین مجتبوی، تهران: حکمت، چاپ سی‌ام، ۱۳۹۳.
۹. پولادی، کمال، *از دولت اقتدار تا دولت عقل*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۰. پولادی، کمال، *تاریخ اندیشه سیاسی، از سقراط تا ماکیاولی*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۱. تقوی، سید محمد ناصر، *دین و بنیادهای دمکراتیک*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۲. خسروی، حسن، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۳. خسروی حسن، *حقوق اساسی (۱)*، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ دهم، ۱۳۹۳.
۱۴. دال، رابرت، *درباره دموکراسی*، فیروز سالاریان، تهران: نشر چشمه، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۵. زولر، الیزابت، *درآمدی بر حقوق عمومی*، ترجمه سید مجتبی واعظی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۶. روسو، ژان ژاک، *قرارداد اجتماعی*، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: انتشارات آگاه، چاپ ششم، ۱۳۹۲.
۱۷. طاهری، ابوالقاسم، *تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب*، تهران: قومس، چاپ دهم، ۱۳۸۹.
۱۸. عالم، عبدالرحمن، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۹. کمالی زاده، محمد، *مونتسکیو*، قم: قلم نو، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۰. کانت، ایمانوئل، *فلسفه فضیلت*، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: نقش و نگار، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

۲۱. کانت، ایمانوئل، **فلسفه حقوق**، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۲. گری، جان، **فلسفه سیاسی استوارت میل**، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲۳. لاک، جان، **رساله دوم درباره دولت**، ترجمه شهرام ارشدنژاد، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۲۴. لاگلین، مارتین، **مبانی حقوق عمومی**، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۲۵. لوید توماس، دیوید، **در باب حکومت لاک**، ترجمه عباس اسکوییان، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۶. مک کالوم، جرال.د.سی، **فلسفه سیاسی**، ترجمه بهروز جندقی، قم: کتاب طه، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۲۷. نلسون، ویلیام، **در توجیه دموکراسی**، ترجمه علیرضا پارسا، تهران: نشر دیگر، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۸. ولف، جانانان، **درآمدی بر فلسفه سیاسی**، ترجمه حمید پژوهش، تهران: نشر کتاب آمه، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۲۹. واینر، فیلیپ پی، **فرهنگ اندیشه های سیاسی؛ برگرفته از فرهنگ تاریخ اندیشه ها**، ترجمه خشایار دیهیمی تهران: نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۹۲.
۳۰. ویژه، محمدرضا، **مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی**، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۳۱. وینسنت، اندرو، **نظریه های دولت**، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۹۲.
۳۲. هابز، توماس، **لویاتان، ویرایش و مقدمه از سی.بی. مکفرسون**؛ ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ هشتم، ۱۳۹۲.
۳۳. هیود، اندره، **مفاهیم کلیدی در علم سیاست**، ترجمه حسن سعید کلاهی و عباس کاردان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۷.

## مقاله

۳۴. صفایی سهیلا، محقق داماد، سید مصطفی، عباسی، محمود، **بررسی احترام به خود مختاری در فقه و حقوق اسلامی**، فصلنامه اخلاق زیستی، سال دوم، ۱۳۸۱، شماره ۴.
۳۵. مجیدی، فریبرز، **اندیشه های جان استوارت میل**، مجله آبان، در پایگاه: دایره المعارف آنلاین طهوری، ۱۳۹۴، شماره ۱۲۵.
۳۶. محلاتی، محمدروش، اصل عدم ولایت، نشریه علوم سیاسی، دوره هفتم، ۱۳۸۳، شماره ۲۵.
۳۷. مدیسون، جیمز، **فدرالیست؛ شماره ۱۰**، ترجمه محسن محمودی، ۱۳۹۴، در پایگاه: <http://bourgeois.ir>

**ب) منابع انگلیسی****Books**

38. 37. Brooks, Thom, *Locke and Law*, England: Ashgate Publishing Company, 2007.
39. 38. Catt, Helena, *Democracy in Practice*, London: Rutledge, Press, 1999.
40. 39. Held, David, *Models of Democracy*, Cambridge: Polity Press, 1996.
41. 40. Lively, A(eds), *Democracy in Britain*, Oxford: Blackwell Press, 1994.
42. 41. Meyer, Michael J. and Parent W.A., *The Constitution Rights: Human Dignity and American Values*, New York: Cornell University Press, 1992.
43. 42. Manin, Bernard and Others, "Election and Representation", *Democracy, Accountability and Representation*, Edited by: Adam Przeworski and Others, (Cambridge: Cambridge University Press, 1999).
44. 43. Mainwaring, Scott, *Democratic Accountability in Latin America*, Oxford: Oxford University Press, 2003.
45. 44. Nagel, Thomas, *Equality; Readings in Social and political Philosophy*, Edited by Robert M. Stewart, Oxford: Oxford University Press, 1996.
46. 45. Orend, Brian, *Human Rights: Concept and Context*, Toronto: Broadview Press, 2002.
47. 46. Pitkin Fenichel, Hanah, *The Concept of Representation*, (Berkeley: California University Press, 1967).
48. 47. Rose, Richard (Editor in chief) and Others, *International Encyclopedia of Elections*, Washington, D.C. , CQ Press, 2000.
49. 48. Rush, Marx, *Voting Rights and Redistricting in United States*, Westpart: Greenwood Press, 1998.
50. 49. Schumpeter, Joseph, *Capitalism, Socialism and Democracy*, Ed. Allen and Unwin Publication, 1950.
51. 50. Vieira, Monica Brito and Runciman, David, *Representation*, Cambridge: Policy Press, 2008.
52. 51. William H. Sewell Jr. , *A Rhetoric of Bourgeois Revolution: The Abbe Sieyes and What is the Third Estate?*. Durham and London: Duke University Press, 1994.

**Articles**

53. 52. Mac Callum, Gerald, C. , "Negative and Positive Freedom". *The Philosophical Review*, 76 (3), 1967.
54. 53. Pitkin Fenichel, Hanah, "The Concept of Representation", *Democracy*, Edited by Richard, Blaug and John, Schwarzmatel, New York: Columbia University Press, 2000.